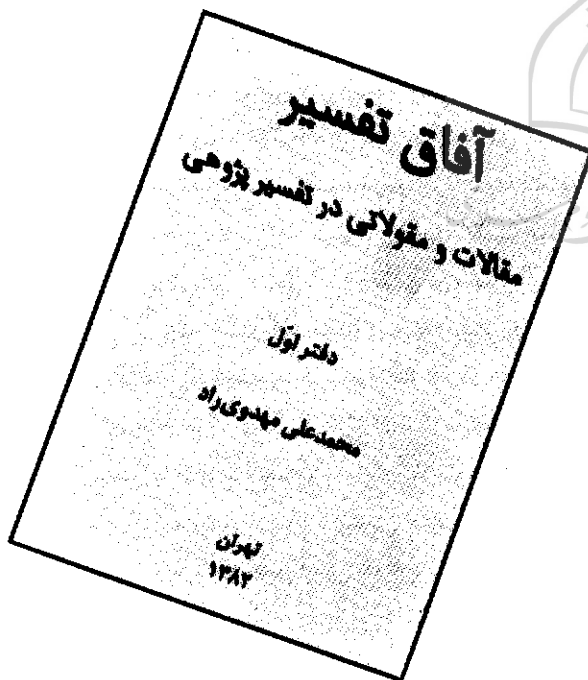


# آفاق تفسیر

## از افق تحقیق

محمدعلی سلطانی



آفاق تفسیر (مقالات و مقالاتی در تفسیرپژوهی)، محمدعلی مهدوی راد، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۵۲۴ص، وزیری.

کتاب آفاق تفسیر مجموعه مقالاتی در حوزه تفسیر و تاریخ تفسیر است که استاد مهدوی راد از دیرباز در این جا و آن جا به نشر آن پرداخته است. بسیاری از افراد که با اندیشه و تلاش های استاد در حوزه تفسیر آشنا و مقاله های وی را در نشریات معتبر خوانده بودند و یا درس های مشارالیه را در دانشگاه و حوزه دیده بودند، همواره در انتظار نشر آنها در یک مجموعه بودند و شاید صاحب این قلم که بیشترین آشنایی با وی و اندیشه و افکار و پژوهش های ژرف و گسترده اش دارد، از همه فزون تر در انتظار چنین حادثه ای بود. وسواس علمی و دقت و احتیاط های بسیار استاد همواره مانع بزرگی در برابر اصرار دوستان و آشنایان وی برای گردآوری مقالات و نشر آن در یک مجموعه بود. اشتغال نسبتاً طولانی مشارالیه به عنوان سردبیر نشریه ای که در صدد اصلاح و سامان دهی پژوهش و نشر در حوزه دین و اندیشه های انسانی است و همواره دغدغه تحقیقات و پژوهش های درست را دارد و از پلستی و بی سامان نگاری در حوزه دین در رنج است، بر احتیاط و وسوسه علمی وی افزوده بود. همواره مهلتی را بایسته می دید تا خام ها پخته شود و ناسفته ها سفته گردد. ولی این مهلت کم کم به نهر حیات تبدیل می شد که بر پای نهال یأس جاری می گشت. سپاس خدای را اصرار دوستان کار خود را کرد و نویسنده را به نشر مقالات پراکنده راضی ساخت و اولین دفتر از این مجموعه راهی بازار کتاب شد. این سرآغاز را به فال نیک می گیریم تا فرجام آن نشر تحقیقات مستقل وی در تاریخ تفسیر گردد که سالیان سال است وی بدان اشتغال دارد که اگر چنین شود اثری به یاد ماندنی و پر بهره در قلمرو تاریخ تفسیر در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت و این خلأ پر خواهد شد. به یمن این آغاز خوش، نگاهی به مجموعه مقالات آفاق تفسیر می افکنیم:

پیش گفتار

پیش گفتار سخنی است که در آن چگونگی شکل گیری مقالات به طور گذرا مطرح شده است. تاریخ رویکرد استاد به بحث های

تفسیری و به خصوص تاریخ تفسیر داستانی خواندنی دارد. این داستان به واقع گونه‌ای از روند اندیشه و فرهنگ در حوزه علمیه قم پس از انقلاب است. افسوس که ملاحظات سیاسی هیچ‌گاه فرصتی بایسته در اختیار کسی نگذاشت که این داستان بیان شود و هرچا هم سخنی گفته شده گذرا و سر بسته بود. ای کاش روزی صاحب همتی این موضوع را بشکافد و چیزهای ناگفتنی را بازگو کند. در این جا، صاحب این قلم که همواره در کنار مشارالیه بودم به بهانه تاریخ مقالات مجموعه «آفاق تفسیر» اشاره‌ای البته گذرا به آن مسائل می‌کنم باز هم به امید آن که روزی نویسنده‌ای همه داستان را بسراید.

پس از پیروزی انقلاب جمعی از دوستان خلأ یک مجله روزآمد را کاملاً حس می‌کردند هیچ کدام اهل قلم و مجله نبودند و از نام و آوازه‌ای بهره نداشتند. از سوی دیگر شور و حس انقلابی و خلوص و یکدلی نیز به یاری آن بی‌آوازی شتافته و دوستان را بر آن داشت مجله‌ای بدون ذکر نام نویسندگان مقالات تدارک ببینند. قدم نخست گرچه خیلی استوار نبود، اما امید و دل‌گرمی و اعتماد را در دوستان ایجاد کرد و مجله راه افتاد. مجله به اعتبار نشر آن در حوزه به نام «حوزه» نام‌گذاری شد. این مجله سالیان زیادی بدون هرگونه نام نشر یافت در آن مجله هرکس به اقتضای علاقه و دغدغه‌اش مقالاتی می‌نوشت و استاد مهدوی راد که مدت زیادی سردبیر آن بود، به بحث‌های تفسیری پرداخت. البته همکاران نخستین مجله کم‌کم کنار رفتند و نسل جدیدی در مجله پا گرفت که سیاست آغازین مجله را کنار گذاشتند. از جمله کسانی که از مجله کناره‌گیری کرد استاد مهدوی راد بود. استاد با کنار رفتن از مجله دغدغه خود را در حوزه تفسیر و تاریخ آن کنار نگذاشت، بلکه با جدیت بیشتر بدان ادامه داد و در مجله آینه پژوهش، فرهنگ جهاد، میراث جاویدان و... راه پیشین خود را پی گرفت. در دانشگاه هم به تدریس تخصصی همین مقوله پرداخت. از مجموعه مقالات چاپ شده در مجله حوزه در این دفتر تنها یک مقاله آمده است. امید آن که همه آن مجموعه مقالات هرچه زودتر نشر یابد.

#### پیام جاودانه

مقاله پیام جاودانه به قرآن به عنوان پیامی جاودان می‌پردازد که در ظلمتکده جزیره‌العرب، نور حکمت و خرد را تابانید. مقاله با بیان زیبا چگونگی و روند جایگزینی اندیشه و فکر صلح و صفا در سرزمین خشونت و بی‌فرهنگی و قتل و تجاوز را توضیح می‌دهد. چگونگی درهم شکستن زنجیر جهل و نادانی، خرافه

و کج اندیشی، تبعیض و ستم از دست و پای مردم جزیره‌العرب و گشوده شدن راه‌هایی در آن منطقه و در پی آن در گستره زمین، سخنی است که مقاله در پی توضیح آن است.

#### تفسیر در عصر پیامبر

نویسنده در این مقاله نخست تلاش می‌کند این واقعیت را آشکار کند که پیامبر (ص) همان گونه که مسئولیت ابلاغ پیام الهی را بر دوش داشت مسئولیت تبیین، تفسیر و توضیح کلام الهی را نیز عهده‌دار بود. و بر این اساس به تبیین آیات الهی می‌پرداخت که گاه به طور مستقیم و گاه در پی پرسش صحابه به آن مبادرت می‌ورزید. این که پیامبر (ص) چه مقدار از قرآن را تفسیر کرده است، بحث بعدی مقاله است و نویسنده اقوال گوناگون را در این خصوص نقل می‌کند و در نهایت دیدگاه مرحوم شهید صدر را برمی‌گزیند که پیامبر (ص) در دو عرصه به تفسیر قرآن پرداخته است: در سطح عموم و بر پایه نیازهای آن روز که فراگیر و ژرف نبود و در سطح کسانی که باید میراث قرآن را به دوش می‌کشیدند که در این سطح شامل و کامل و استوار و ژرف بود. نویسنده از گونه‌های تفسیر پیامبر (ص) یاد می‌کند و در این راستا از تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید اطلاق، توضیح مفاهیم شرعی، تفصیل احکام، بیان ناسخ و منسوخ، تأکید بر بیان قرآن سخن به میان می‌آورد. در ادامه نیز نمونه‌هایی از تفسیر رسول اکرم (ص) را در پیش دید خوانندگان قرار می‌دهد.

#### درآمدی بر تفسیر صحابه

در این مقاله، نخست «صحابی» تعریف شده و بر تفاوت فهم صحابیان از قرآن انگشت گذاشته شده است و از مفسران مطرح در بین صحابه یاد می‌کند و از قول جلال‌الدین سیوطی می‌آورد که از میان صحابیان ده نفر مشهور به تفسیر بودند. سپس به چگونگی تفسیر برخی از مفسران مشهور از میان صحابه می‌پردازد و در آغاز از علی (ع) به عنوان پیشوای مفسران یاد می‌کند، و از آگاهی علی (ع) به قرآن از قول وحی، پیامبر (ص)، صحابیان سخن می‌گوید و سپس قرآن را از دید علی (ع) می‌نمایاند و از تفسیر

و ارزش های گوناگون شکل می گیرد، و در واقع، نام پدیده ها به گونه ای نشانگر گرایش ها، بینش ها و منش های مردمان است» پرداختن به نام اوصاف قرآن در راستای کشف اندیشه ها و آرمان ها و ارزش های قرآنی گامی جدی و بایسته است. نویسنده مقاله از همین زاویه به نام هایی که بر کتاب خدا نهاده شده، پرداخته و آن را به بحث کشیده است. در این که قرآن یک نام دارد و بقیه اوصاف هستند و یا نام های متعدد دارد، بین مفسران اختلاف است. نویسنده این مقوله را در مقاله آورده و سپس درباره نخستین و مورد اتفافی ترین نام این کتاب یعنی «قرآن» بحث کرده است، و سه قول مشهور درباره تلفظ و اشتقاق واژه «قرآن» را نقل و مورد بررسی قرار می دهد. همچنین درباره اینکه واژه قرآن - چنان که پاره ای خاورشناسان می گویند- از واژه های دخیل است و یا نه، سخن گفته است. واژه بعدی «فرقان» است. این واژه هفت بار در قرآن آمده است و اطلاق واژه مزبور در این هفت مورد بررسی شده و در ادامه چرایی توصیف قرآن به «فرقان» مطرح گشته است. مقوله دخیله بودن این وصف در بین خاورشناسان مطرح است و نویسنده این مسأله را بررسی کرده است.

سومین واژه مورد بحث در این مقاله واژه «کتاب» است. این واژه دویست و سی بار در قرآن آمده است که چهل و نه بار منظور قرآن است و در بقیه موارد مراد تورات، انجیل، نامه عمل، نوشته، لوح محفوظ و غیر آن است. واژه «کتاب» در نگاه مفسران، از منظر قرآن و در روایات مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده دیدگاه خاورشناسان و پاره ای از نویسندگان مسلمان را در خصوص دخیله بودن واژه «کتاب» رد کرده و آن را واژه اصیل عربی می داند.

چهارمین واژه مورد بحث واژه «ذکر» است. معنای کلمه «ذکر» در فرهنگ ها و لغت نامه های پی گیری شده و در ادامه کاربرد آن در قرآن و شمار دفعاتی که این واژه در قرآن آمده، بررسی شده است و چرایی توصیف قرآن به ذکر و توجیهاتی که مفسران آورده اند، مورد توجه قرار گرفته است.

پنجمین وصف مطرح شده در این مقاله واژه «تنزیل» است. تنزیل در قرآن و در فرهنگ های پی جویی شده و فرق بین انزال و تنزیل تبیین گشته است و هر دو واژه از زاویه نگاه فرهنگ ها و قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. به باور نویسنده فرقی که مرحوم علامه طباطبایی بین این دو واژه گذاشته چندان استوار نیست و از این رو دلایل مورد استشهاد علامه را نقل کرده و به نقد آن پرداخته است.

علی (ع) و مصحف وی بحث به میان می کشد. برخلاف تمام مفسران و قرآن پژوهان بر این باور رفته اند که مصحف علی (ع) براساس نزول نبوده است. آن گاه وعده داده که در مقامی از این موضوع به تفصیل سخن بگویند، که شایسته نیز هست.

تفسیر از نگاه علی (ع) بحث دیگر این مقاله است و ارائه نمونه هایی از تفسیر آن حضرت پایان بخش آن است. این مقاله و مقاله پیشین پیشتر در مجله میراث جاویدان نشر یافته بود.

#### تفسیر ماثور: کفایت ها و کمبودها

تفسیر ماثور گونه ای از تفسیر است که در میان پیشینیان تقریباً یکه تاز میدان تفسیر بود و بعدها گونه های دیگری از تفسیر پا به عرصه نهاد. از این رو بحث تفسیر ماثور تداوم طبیعی بحث تفسیر در عصر صحابه است. نویسنده در این مقاله نخست به تعریف اثر و تفسیر ماثور پرداخته و جایگاه آن را بر پایه مصادیق سه گانه تفسیر ماثور که با توجه به نوع نگرش و تعریف تفسیر ماثور به وجود آمده، نشان داده است.

تفسیر ماثور از پیامبر (ص)، تفسیر ماثور از معصومان (ع) و تفسیر ماثور از صحابه مصادیق سه گانه تفسیر ماثور براساس تعاریف گوناگون است که در مقاله به تفصیل آمده است.

تداوم مقاله اثبات حجیت این سه گونه تفسیر ماثور است که در حجیت تفسیر ماثور از پیامبر (ص) به مستندات قرآنی تکیه شده است. درباره حجیت تفسیر ماثور معصومان (ع) به آیات چند از قبیل آیه تطهیر، آیه ذکر و روایاتی از پیامبر (ص) نظیر روایت ثقلین، حدیث سفینه استدلال شده است. در بحث از حجیت تفسیر صحابه مقوله «عدالت صحابه» را مطرح کرده است و حجیت آن را منوط به اثبات عدالت همه صحابه کرده است که اثبات آن علی رغم استدلال پیروان این باور به قرآن و سنت، دشوار است و تصویر قرآن از صحابه چنین ادعایی را نه تنها اثبات نمی کند بلکه در مواردی عکس آن را می رساند.

#### نام ها و اوصاف قرآن

از آنجایی که «نامگذاری پدیده ها، براساس اندیشه ها، آرمان ها

نویسنده در پایان بحث به این نتیجه می‌رسد که در کاربرد قرآنی بین این دو واژه تفاوتی وجود ندارد و دو واژه مترادف می‌باشند.

### جلوه‌های امامت در گفتار قرآنی امام موسی بن جعفر (ع)

نویسنده، این مقاله را برای کنگره‌ای که در مشهد برای بررسی زندگی و معارف امام موسی بن جعفر (ع) در سال ۱۴۱۱ هـ. ق تشکیل یافته بود، نگاشته است. متن اصلاح شده آن مقاله چاپ نشده و مفقود گردیده است و همین امر موجب گشته نویسنده بار دیگر آن را بازمینی کند و از این رهگذر این مقاله با دیگر مقاله‌ها فرقی جدی یافته است. افزودنی‌هایی که به عنوان باورقی و برای تکمیل و توضیح آمده، مقاله را بسیار جاندار و پر محتوا ساخته است. ای کاش نویسنده فرصتی می‌یافت و همه مقالات مجموعه را چنین بازنگری می‌کرد. نویسنده در آغاز مقاله گزارش کوتاهی از پی‌آمد دور ماندن معصومان (ع) از خلافت را بیان می‌کند و پس از آن به اصل بحث وارد می‌شود. از تفسیر قرآن به عنوان سلاحی برنده در تبلیغ امامت یاد می‌کند. آن‌گاه به مجموعه روایاتی که از امام (ع) درباره تفسیر آیات قرآنی به جای مانده نگاهی انداخته و جایگاه امامت در این تفسیرها را می‌نمایاند. جایگاه امامت و زیرمجموعه این بحث یعنی «امامت رحمت الهی بر مردم»، «امامت امانت الهی»، «امامت نعمت الهی» و نتایجی که از این بحث‌ها فراچنگ می‌آید، یعنی «لزوم پیوند ناگسستگی با امام» و «امام و اعمال انسان» از مجموعه مباحث این مقاله است.

بحث دیگری که در روایت‌های منقول از امام موسی بن جعفر (ع) مطرح شده، «نقش عینی امام در جامعه» است، و بحث تحقق عین رسالت در آئینه ولایت، امامت محوری، مرجعیت دینی و علمی امام، امام به عنوان مشعل‌های جاوید در زندگی انسان زیرمجموعه این بحث هستند. مقوله سوم مطرح شده در روایات تفسیر امام موسی کاظم (ع)، موضوع مسئولیت‌ها و اختیارات امام (ع) است، و مقوله‌هایی چون عدالت گستری، حل مسائل اقتصادی، و رسیدگی به موضوع انفال از جمله این مسئولیت‌ها و اختیارات مطرح شده است. تعیین مصداق پیشوایان راستین، نفی حاکمیت ستمگران، نقش پیشوایان نور و رهبران نار در جامعه از جمله مباحث مطرح شده در روایات تفسیری امام (ع) است. نویسنده پایان بحث خود را با عنوان «در آستانه خورشید» به بحث امام عصر (ع) اختصاص داده است.

### آوردگاه طف

مقاله آوردگاه طف، به چگونگی و چرایی صف‌بندی حق و باطل در آوردگاه طف از نگاه قرآنی می‌پردازد. از خلقت انسان بر پایه «احسن التقریم» بحث شده و دیدگاه مطرح شده در این خصوص را می‌آورد و از نقطه مقابل آن انسان‌هایی که به انحراف کشیده شده و در اسفل السافلین جای می‌گیرند، سخن می‌گوید، و دو نوع انسان را در آوردگاه طف به تصویر می‌کشد. عناصر تشکیل دهنده اردوی مقابل امام حسین (ع) را مجموعه‌ای از این دست می‌داند: فرصت طلبان، جیره‌خواران، مسخ‌شدگان، ترسوین ناخشنود، خوارج، ناآگاهان اسیر تبلیغات که از ویژگی خاصی چون: بی‌ارادگی، اضطراب و سرگردانی، فسق برخوردار بودند. در مقابل در اردوی حسین (ع) دو گروه بودند: موالی و عرب که شامل بنی‌هاشم، صحابیان پیامبر (ص)، صحابیان علی (ع) و مردم حجاز و کوفه می‌شدند. اهداف پیروان حسین (ع) در این قیام، دفاع از دین، حمایت از امام (ع) و آزادی ملت بود و ویژگی این بزرگواران، عزت نفس، نستوهی، راهبان شب و رهایی بود و به تعبیری دقیق‌تر مجمع فضایل بودند. نویسنده پس از شرح و توضیح هر کدام از مقوله‌های یاد شده، از انجمن عشق یاد می‌کند که امام حسین (ع) و یارانش در شب تاسوعا گردهم آمدند و آن سخنان مشهور که بیانگر اوج جوانمردی و وفاداری است مطرح گشت. پایان بخش مقاله با عنوان «رویایی وحی‌گون» نقل رؤیای امام حسین (ع) در حادثه کربلا است.

### تحریف‌ناپذیری قرآن

از دیرباز مباحثی با عنوان «تحریف و عدم تحریف» قرآن مطرح است. این بحث نسبت به همه کتب دینی ادیان وجود دارد. در بین همه کتب آسمانی تنها قرآن از جایگاهی برخوردار است که می‌توان با قدرت عدم تحریف آن را مطرح کرد و بلکه همان‌گونه که نویسنده مطرح کرده است، تحریف‌ناپذیری آن را مدعی شد. نویسنده نخست تاریخچه این بحث را در بین شیعیان و سنیان می‌نمایاند. استدلال افرادی را که چنین باوری

قرطبی در این بخش تعصب اشعری گری خویش را می نمایاند. مباحث فقهی در «الجامع» جایگاه ویژه ای دارد و نویسنده مقاله آن را به خوبی نشان داده است. قرطبی در عین حال که تفسیری با عنایت ویژه به خرد و عقل است، اما از نقل غافل نیست و از همین رهگذر - علی رغم تعهدی که به نیاوردن اسرائیلیات داشته - اسرائیلیات بسیاری هم در آن راه یافته که نویسنده مقاله به هر دو این بحث ها پرداخته است. نگاه قرطبی به موضوع اهل بیت (ع) از سر لجاج و عناد است و به تعبیر نویسنده مقاله:

«... در این جهت تا جایگاه فردی متعصب و عنود که از دیدن روشن ترین و پرفروغ ترین حقیقت ها نیز باز می ماند، سقوط کرده است.» نویسنده مقاله این مبحث را در تفسیری گرفته و مواردی از این عناد را نشان داده است. مباحث اخلاقی و معنوی بحث دیگری در این مقاله است که نویسنده کوشیده است ردپای چنین مباحثی را در تفسیر الجامع نشان دهد. مباحث لغوی و ادبی از مباحث سودمند و کارآمد تفسیر قرطبی است، و به باور نویسنده مقاله، قرطبی در این راستا از شیوه ارجمند و یگانه ای برخوردار است. یکی از ویژگی های شایسته تفسیر قرطبی ارائه مصادر و منابع تفسیری خود است که مهم ترین این منابع جامع البیان طبری، احکام القرآن هراسی، احکام القرآن ابن عربی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ابن عطیه اندلسی، صحاح سنه، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، معانی القرآن ابن نحاس، التفصیل الجامع لعلوم التنزیل ابوالعباس مهدوی است.

نویسنده، در ادامه از کارهایی که روی تفسیر قرطبی انجام گرفته نام می برد که مهم ترین آن تصحیح و چاپ بیست جلدی از این تفسیر و دو اختصاری که یکی توسط توفیق الحکیم ادیب مصری انجام گرفته و دیگری از سوی شیخ محمد کریم راجع انجام یافته است. نویسنده مقاله در نهایت به معرفی قرطبی می پردازد.

اینها مجموعه ای از مقالات تفسیری بود که از شمار بسیار مقالات استاد مهدوی در این کتاب آمده است و امید است بقیه مقالات مشارالیه به مرور چاپ شود. بخش نمایه کتاب چهار نوع نمایه: آیات، روایات، اشخاص و کتابنامه را در دو بخش کتاب ها و مجله ها در خود دارد که کمک خوبی برای بهره گیری از محتویات کتاب می باشد.

دارند آورده و به نقد و رد آنها می پردازد و عدم امکان تحریف را اثبات می کند.

#### حمدنامه امام خمینی

امام خمینی مدت کوتاهی به تفسیر سوره حمد پرداخت که گویی پاره ای آن را با صیغه عرفانی که داشت برنستافتند و به ناچار آن بحث که از سیمای جمهوری اسلامی ایران هم پخش می شد، متوقف گشت. با آن که شمار این جلسات اندک بود، اما گفته های بسیاری در آن گفته شد.

این مقاله نگاهی بر آن بحث هاست. نویسنده نخست قرآن را در نگاه امام می نمایاند و تفسیرپذیری قرآن را از دیدگاه وی مورد توجه قرار می دهد. همین بحث را در گذر تاریخ پی می گیرد. روش تفسیری امام را از تفسیر سوره حمد برمی کشد و آن گاه با گشتی در این تفسیر به صید نکاتی برجسته می پردازد. بحث رحمانیت و رحیمیت، استعانت، عبادت، ستایش، روز جزاء، صراط مستقیم و بحث هایی از این دست نکته هایی است که در این گلگشت فراچنگ می دهد.

#### پژوهشی درباره الجامع لاحکام القرآن

تفسیر قرطبی از تفاسیر بسیار مطرح در بین مفسران است و شاید جامع ترین تفسیری باشد که به قرآن از زاویه منبع استخراج احکام نگریسته است و به تعبیر نویسنده مقاله «الجامع»، از جمله منابع مهم شناخت آیات قرآن و دست یافتن به موضوعات آن، به ویژه آیات الأحکام است تفسیر قرطبی آکنده از تحقیقات فقهی و پژوهش های تاریخی و نقد و تحلیل های ادبی و ... است. «جناب مهدوی راد نخست انگیزه مؤلف تفسیر را نشان می دهد و آن گاه به ویژگی های این تفسیر می پردازد و روش تفسیری قرطبی را می نمایاند. شیوه نگارش و تنظیم الجامع را به بحث می کشد. جایگاه آن را در نگاه مفسران نشان می دهد و چون این تفسیر از جمله تفاسیر مشهور به تفسیر به رأی است، جایگاه «خرد» در الجامع از جمله مباحثی است که نویسنده مقاله آن را بررسی می کند. مسائل کلامی در این تفسیر بحث دیگری است که